

نسل کشی های کتاب مقدس

یکی از قوانین جنگ که اسلام بر آن تاکید بسیار دارد حفظ حقوق دشمن است در جنگ با سرباز دشمن تا آن زمان میجنگند که دست به شمشیر دارد ...



یکی از قوانین جنگ که اسلام بر آن تاکید بسیار دارد حفظ حقوق دشمن است در جنگ با سرباز دشمن تا آن زمان میجنگند که دست به شمشیر دارد و فقط جنگجویان دشمن کشته یا اسیر میشوند و خون غیرجنگجویان محترم دانسته شده است از جمله دستوراتی که در جنگ داده شده است حفظ حقوق اسیران است اسیر خونش محترم است و جانش باید محفوظ بماند احترامش و احساساتش باید پاس داشته شود

در جنگ خیبر وقتی یکی از سربازان اسلام زنان اسیر را از میان کشته شدگان نشان عبور داد پیامبر اسلام سخت با وی را توبیخ نمود و همچنین به مراعات شکست خوردگان بسیار تاکید شده است و شکر نعمت پیروزی در نبرد را بخشش دشمن دانسته اند ولی از مهمترین دستورات دینی اسلام برای جنگ تاکید بر مراعات کودکان و زنان است که در جنگ به هیچ وجه گناهکار نیستند و هیچ کسی حق ندارد حرمتشان را ببرد و خونشان را حلال بداند زیرا در هیچ دین و آیینی کودکان گناهکار نیستند و وجدان انسانی چنین قضاوت میکند که باید پاس حرمت کودکان نگاه داشته شود و مسولیت حفاظت از ایشان به عهده کامیابان جنگ نهاده شده است و هیچ عقل و آیینی اجازه نمی دهد که کودکان قربانی جنگ شوند و نیروهای متجاوز دست به کشتار کودکان و زنان بزنند و هر گروهی که مرتکب چنین جنایتی شوند در نزد همه اندیشه ها محکوم هستند

و هیچ متجاوزی حق ندارد به محض پیروزی نسل کشی راه بیندازد و تمام افراد حریف اعم از زن و کودک را قتل عام نماید . اما این موضوع نسبت به کتاب مقدس تفاوت دارد . در کتاب مقدس نسل کشی های بی رحمانه ای وجود دارد.

که ایشان باید به محض پیروزی تمام افراد دشمن اعم از زن و کودکان شیر خاره را قتل عام کنند جالب آن که این نسل کشی ها همه به دستور خداوند کتاب مقدس و با اجرای بزرگترین پیامبرانش یعنی حضرت موسی(ع) و حضرت یوشع(ع) شکل گرفته است . در این نسل کشی ها همه باید کشته شوند حتی کودکان شیر خواره و زنان و دختران بیگناه. فقط در یک مورد دختران باکره استثنا می شوند؛ حتی در برخی موارد گاو و گوسفندان را هم سر می برند . همه این نسل کشی ها بدین خاطر است که خداوند زمینی را که بنی اسرائیل در آن زندگی می کنند، به بنی اسرائیل بخشیده و اهالی این زمین ها باید از بین بروند تا جای آن برای قوم برگزیده مهیا گردد.

در حالی که فطرت پاک هر انسانی میگوید در جنگ کودکان هیچ گناهی ندارند

و حقوق انسانی حکم میکند که در جنگ فقط با جنگجویان باید مبارزه شود و حقوق کودکان و زنان و پیران و اسیران باید محفوظ بماند

ولی دست تحریف در کتاب مقدس به راحتی چنین جنایاتی را به پاکترین افراد بشریت و بزرگترین پیامبران الهی نسبت میدهد

آیا ممکن است یکی برترین برگزیده های الهی کودکان شیر خواره را به گناه پدرانشان در جلوی چشم مردانشان سر ببرد! مطمئنا خیر

آیا ممکن است خداوند به پیامبرش دستور بدهد به محض پیروزی بر دشمن تمام شهر را قتل عام کن و همه را در آتش بسوزان !

مطمئنا پاسخ منفی است

ولی میبینیم که در کتاب مقدس به راحتی چنین نسیتهایی به خدا و پیامبرش زده میشود که جالب است به برخی از این موارد نگاهی بیندازیم

ابتدا لازم است نیم نگاهی به تاریخ این جنگها بیندازیم

خداوند به فرماندهی حضرت موسی (ع) تمام بنی اسرائیل را از چنگ فرعون میرهاند و فرعونیان را در دریای نیل غرق میسازد قوم بنی اسرائیل در پی سرزمین موعود راهی فلسطین میشوند

طبعاً در این سرزمین اقوام بسیاری سکونت داشتند و شهرهای آبادی را بنا نهاده بودند و بنی اسرائیل میخواستند در شهرهای ایشان سکونت ورزند و لذا میبایست ابتدا شهرها را خالی از سکنه کنند و سپس خود در این شهرها ماوی گزینند این بود که کار پاک سازی نژادی این شهرها را که تعدادشان هم بسیار است آغاز کردند در این جنگها ابتدا پس از شکست ارتش مدافع شهر وارد شهر می شدند و سپس دست به پاک سازی نژادی میزدند و زنان و کودکان و تمامی موجودات زنده داخل این شهرها را از دم تیغ میگذرانند تا مکانی را برای سکونت خویش مهیا سازند

زنان و کودکان بی گناهی که همسران و پدرانشان در جنگ شکست خورده بودند و کشته شده بودند میبایست خودشان نیز به همین عاقبت دچار میشدند و تنها جرمتشان همین بود که در شهرهایی زندگی میکردند که بنی اسرائیل بنا داشت محل استقرار خود را در آنجا بنا نهد

با توجه به این مقدمه به آیات زیر که از کتاب مقدس برگزیده شده است دقت کنید

خداوند خطاب به حضرت موسی: در جنگ هیچ جنیده ای را زنده نگذار:

چون به شهری نزدیک آبی تا با آن جنگ نمایی. و چون یهوه، خدایت، آن را به دست تو بسپارد، جمیع ذکورانش را به دم شمشیر بکش. لیکن زنان و اطفال و بهایم و آنچه در شهر باشد، یعنی تمامی غنیمتت را برای خود به تاراج ببر، و غنایم دشمنان خود را که یهوه خدایت به تو دهد، بخور. به همه شهرهایی که از تو بسیار دورند که از شهرهای این امت ها نباشند، چنین رفتار نما. اما از شهرهای این امت هایی که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می دهد، هیچ ذی نفس را زنده مگذار. بلکه ایشان را، یعنی حتیان و اموریان و کنعانیان و قرزیان و جویان و یبوسیان را، چنانکه یهوه، خدایت، تو را امر فرموده است، بالکل هلاک ساز. (تثنیه : 21 / 10 و 13-17)

آیا خداوند محبت این فرامین را صادر میکند؟

موسی(ع) تمام مردان و کودکان و زنان غیرباکره را می کشد و دختران باکره را نگه می دارد.

1 و یهوه موسی را خطاب کرده گفت: 2 "انتقام بنی اسرائیل را از مدیانیان بگیر و بعد از آن به قوم خود ملحق خواهی شد." 3 پس موسی قوم را مخاطب ساخته گفت: "از میان خود مردان برای جنگ مهیا سازید تا به مقابله مدیان برآیند و انتقام یهوه را از مدیان بکشند. 4 هزار نفر از هر سبط از جمیع اسباط اسرائیل برای جنگ بفرستید." 5 پس از هزاره های اسرائیل از هر سبط یک هزار یعنی دوازده هزار نفر مهیا شده برای جنگ منتخبت شدند. 6 و موسی ایشان را هزار نفر از هر سبط به جنگ فرستاد ایشان را با فینحاس بن العازار کاهن و اسباب قدس و گرتاها برای نواختن در دستش به جنگ فرستاد. 7 و با مدیان به طوری که یهوه موسی را امر فرموده بود جنگ کرده همه ذکوران را کشتند. 8 و در میان کشتگان ملوک مدیان یعنی اوی و راقم و صور و حور و رابع پنج پادشاه مدیان را کشتند و بلعام بن بعور را به شمشیر کشتند. 9 و بنی اسرائیل زنان مدیان و اطفال ایشان را به اسیری بردند و جمیع بهایم و جمیع مواشی ایشان و همه املاک ایشان را غارت کردند. 10 و تمامی شهرها و مساکن و قلعه های ایشان را به آتش سوزانیدند. 11 و تمامی غنیمت و جمیع غارت از انسان و بهایم گرفتند. 12 و اسیران و غارت و غنیمت را نزد موسی و العازار کاهن و جماعت بنی اسرائیل در لشکرگاه در عربات مواب که نزد اردن در مقابل اریحاست آوردند. 13 و موسی و العازار کاهن و تمامی آقان جماعت بیرون از لشکرگاه به استقبال ایشان آمدند. 14 و موسی بر رؤسای لشکر یعنی سرداران هزاره ها و سرداران صدها که از خدمت جنگ باز آمده بودند غضبناک شد. 15 و موسی به ایشان گفت: "آیا همه زنان را زنده نگاه داشتید؟ 16 اینک اینانند که بر حسب مشورت بلعام بنی اسرائیل را واداشتند تا در امر فغور به یهوه خیانت ورزیدند و در جماعت یهوه و با عارض شد. 17 پس الان هر ذکوری از اطفال را بکشید و هر زنی را که مرد را شناخته با او همبستر شده باشد بکشید. 18 و از زنان هر دختری را که مرد را شناخته و با او همبستر نشده برای خود زنده نگاه دارید. 19 و شما هفت روز بیرون از لشکرگاه خیمه زنید و هر که شخصی را کشته و هر که کشته ای را لمس نموده باشد از شما و اسیران شما در روز سوم و در روز هفتم خود را تطهیر نماید. 20 و هر جامه و هر ظرف چرمی و هر چه از پشم بز ساخته شده باشد و هر ظرف چوبین را تطهیر نماید.".... و غنیمت سواى آن غنیمتی که مردان جنگی گرفته بودند از گوسفند ششصد و هفتاد و پنج هزار رأس بود. 33 و از گاو هفتاد و دو هزار رأس. 34 و از الاغ شصت و یک هزار رأس. 35 و از انسان از زنانی که مرد را شناخته بودند سی و دو هزار نفر بودند.

(اعداد : 31 / 1 و 4 و 7 و 9 - 12 و 14 - 19 و 21 و 32 - 35)

بدون شرح!

موسی تمام مردم حتی زنان و اطفال شهرهای زیادی را قتل عام کرد

32 آنگاه سیحون با تمامی قوم خود به مقابله ما برای جنگ کردن در بایص بیرون آمدند. 33 و یهوه خدای ما او را به دست ما تسلیم نموده او را با پسرانش و جمیع قومش زدیم. 34 و تمامی شهرهای او را در آنوقت گرفته مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاک کردیم که یکی را باقی نگذاشتیم. 35 لیکن بهایم را با غنیمت شهرهایی که گرفته بودیم برای خود به غارت بردیم. 36 از عروعر که بر کناره وادی آرئون است و شهری که در وادی است تا جلعاد قریه ای نبود که به ما منتعم باشد یهوه خدای ما همه را به ما تسلیم نمود. 37 لیکن به زمین بنی عمون و به تمامی کناره وادی یبوق و شهرهای کوهستان و به هرچایی که یهوه خدای ما نهی فرموده بود نزدیک نشدیم. (تثنیه 32:3-37)

آیا این نسبت به یکی از بزرگترین پیامبران الهی سزاست؟

کشتار مردم باشان توسط حضرت موسی

3 پس یهوه خدای ما عوج ملک باشان را نیز و تمامی قومش را به دست ما تسلیم نموده او را به حدی شکست دادیم که احدی از برای وی باقی نماند. 4 و در آنوقت همه شهرهایش را گرفتیم و شهری نماند که از ایشان نگرفتیم یعنی شصت شهر و تمامی مرزبوم آرجوب که مملکت عوج در باشان بود. 5 جمیع اینها شهرهای حصاردار با دیوارهای بلند و دروازه ها و پشت بندها بود سواى قرای بی حصار بسیار کثیر. 6 و آنها را بالکل هلاک کردیم چنانکه با سیحون ملک حبشون کرده بودیم هر شهر را با مردان و زنان و اطفال هلاک ساختیم. 7 و تمامی بهایم و غنیمت شهرها را برای خود به غارت بردیم. (تثنیه : 3 / 3 - 7)

به چه جرمی کشته شدند؟

کشتار و سوزاندن زنان و کودکان توسط یوشع

آنگاه قوم صدا زدند و گرتاها را نواختند. و چون قوم آواز گرتا را شنیدند و قوم به آواز بلند صدا زدند حصار شهر به زمین افتاد و قوم یعنی هرکس پیش روی خود به شهر برآمد و شهر را گرفتند. 21 و هرآنچه در شهر بود از مرد و زن و جوان و پیر و حتی گاو و گوسفند و الاغ را به دم شمشیر هلاک کردند. 22 و یوشع به آن دو مرد که به جاسوسی زمین رفته بودند گفت: "به خانه زن فاحشه بروید و زن را با هرچه دارد از آنجا بیرون آرید چنانکه برای وی قسم خوردید." 23 پس آن دو جوان جاسوس داخل شده راحاب و پدرش و مادرش و برادرانش را با هرچه داشت بیرون آوردند بلکه تمام خویشان را آورده ایشان را بیرون لشکرگاه اسرائیل جا دادند. 24 و شهر را با آنچه در آن بود به آتش سوزانیدند. لیکن نقره و طلا و ظروف مسین و آهنین را به خزانه خانه یهوه گذاردند. 25 اینچنین بی رحمانه زنان و کودکان را سوزاندن کار چه کسانی است!!!...پیامبر خدا؟

کشتار مردم عای توسط یوشع

10 و یوشع بامدادان بزودی برخاسته قوم را صف آرایی نمود و او با مشایخ اسرائیل پیش روی قوم بسوی عای روانه شدند. 11 و تمامی مردان جنگی که با وی بودند روانه شده نزدیک آمدند و در مقابل شهر رسیده بطرف شمال عای فرود آمدند. و در میان او و عای وادی ای بود. 12 و قریب به پنج هزار نفر گرفته ایشان را در میان بیتئیل و عای بطرف غربی شهر در کمین نهاد. 13 پس قوم یعنی تمامی لشکر که بطرف شمالی شهر بودند و آنانی را که بطرف غربی شهر در کمین بودند قرار دادند و یوشع آن شب در میان وادی رفت. 14 و چون ملک عای اینرا دید او و تمامی قومش تعجیل نموده بزودی برخاستند و مردان شهر به مقابله بنی اسرائیل برای جنگ به جای معین پیش عربی بیرون رفتند و او ندانست که در پشت شهر برای وی در کمین هستند. 15 و یوشع و همه اسرائیل خود را از حضور ایشان منهزم ساخته به راه بیابان فرار کردند. 16 و تمامی قومی را که در شهر بودند ندا در دادند تا ایشان را تعاقب کنند. پس یوشع را تعاقب نموده از شهر دور شدند. 17 و هیچکس در عای و بیتئیل باقی نماند که از عقب بنی اسرائیل بیرون نرفت و دروازه های شهر را باز گذاشته اسرائیل را تعاقب نمودند.

18 و یهوه به یوشع گفت: "مزارقی که در دست نوست بسوی عای دراز کن زیرا آن را به دست تو دادم و یوشع مزارقی را که به دست خود داشت بسوی شهر دراز کرد. 19 و آنانی که در کمین بودند بزودی از جای خود برخاستند و چون او دست خود را دراز کرد دویدند و داخل شهر شده آنرا گرفتند و تعجیل نموده شهر را به آتش سوزانیدند. 20 و مردان عای بر عقب نگرسته دیدند که اینک دود شهر بسوی آسمان بالا می‌رود. پس برای ایشان طاقت نماند که به این طرف و آنطرف بگریزند. و قومی که به سوی صحرا می‌گریختند بر تعاقب کنندگان خود برگشتند. 21 و چون یوشع و تمامی اسرائیل دیدند که آنانی که در کمین بودند شهر را گرفته‌اند و دود شهر بالا می‌رود ایشان برگشته مردان عای را شکست دادند. 22 و دیگران به مقابله ایشان از شهر بیرون آمدند و ایشان در میان اسرائیل بودند. آنان از یکطرف و اینان از طرف دیگر و ایشانرا می‌کُشتند به حدی که کسی از آنها باقی نماند و نجات نیافت. 23 و ملک عای را زنده گرفته او را نزد یوشع آوردند. 24 و واقع شد که چون اسرائیل از کُشتن همه ساکنان عای در صحرا و در بیابانی که ایشان را در آن تعاقب می‌نمودند فارغ شدند و همه آنها از دم شمشیر افتاده هلاک گشتند تمامی سرائیل به عای برگشته آن را به دم شمشیر کشتند. 25 و همه آنانی که در آنروز از مرد و زن افتادند دوازده هزار نفر بودند یعنی تمامی مردمان عای. 26 زیرا یوشع دست خود را که با مزارق دراز کرده بود پس نکشید تا تمامی ساکنان عای را هلاک کرد. 27 لیکن بهایم و غنیمت آن شهر را اسرائیل برای خود به تاراج بردند موافق کلام یهوه که به یوشع امر فرموده بود. 28 پس یوشع عای را سوزانید و آنرا توده ابدی و خرابه ساخت که تا امروز باقی است. 29 و ملک عای را تا وقت شام به دار کشید و در وقت غروب آفتاب یوشع فرمود تا لاش او را از دار پایین آورده او را نزد دهنة دروازه شهر انداختند و توده بزرگ از سنگها بر آن برپا کردند که تا امروز باقی است. چگونه کودکان شهر عای زنده زنده در آتش می سوختند؟

کشتار عجیب مردم هفت شهر

9 پس یوشع تمامی شب از جلال کوچ کرده ناگهان به ایشان برآمد. 10 و یهوه ایشان را پیش اسرائیل منهزم ساخت و ایشانرا در جبعون به کُشتار عظیمی کُشت. و ایشان را به راه گردنة بیت حورون گریزانید و تا عزیقَه و مقیده ایشانرا کُشت. 11 و چون از پیش اسرائیل فرار میکردند و ایشان در سرازیری بیت حورون میبودند آنگاه یهوه تا عزیقَه بر ایشان از آسمان سنگهای بزرگ بارانید و مردند. و آنانی که از سنگهای تگرگ مردند بیشتر بودند از کسانی که بنی اسرائیل به شمشیر کشتند. ... 28 و در آنروز یوشع مقیده را گرفت و آن و ملکش را به دم شمشیر زده ایشان و همه نفوسسی را که در آن بودند هلاک کرد و کسی را باقی نگذاشت و بطوری که با ملک اریحا رفتار نموده بود با ملک مقیده نیز رفتار کرد.

29 و یوشع با تمامی اسرائیل از مقیده به لیته گذشت و با لیته جنگ کرد. 30 و یهوه آنرا نیز با ملکش به دست اسرائیل تسلیم نمود پس آن و همه کسانی را که در آن بودند به دم شمشیر کشت و کسی را باقی نگذاشت و بطوری که با ملک اریحا رفتار نموده بود با ملک آن نیز رفتار کرد.

31 و یوشع با تمامی اسرائیل از لیته به لاییش گذشت و به مقابلش اردو زده با آن جنگ کرد. 32 و یهوه لاییش را به دست اسرائیل تسلیم نمود که آن را در روز دوم تسخیر نمود. و آن و همه کسانی را که در آن بودند به دم شمشیر کشت چنانکه به لیته کرده بود.

33 آنگاه هورام ملک جازر برای اعانت لاییش آمد و یوشع او و قومش را شکست داد به حدی که کسی را برای او باقی نگذاشت. 34 و یوشع با تمامی اسرائیل از لاییش به عجلون گذشتند و به مقابلش اردو زده با آن جنگ کردند. 35 و در همانروز آنرا گرفته به دم شمشیر زدند و همه کسانی را که در آن بودند در آنروز هلاک کرد چنانکه به لاییش کرده بود.

36 و یوشع با تمامی اسرائیل از عجلون به حبرون بر آمده با آن جنگ کردند. 37 و آنرا گرفته آنرا با ملکش و همه شهرهایش و همه کسانی که در آن بودند به دم شمشیر زدند و موافق هر آنچه که به عجلون کرده بود کسی را باقی نگذاشت بلکه آنرا با همه کسانی که در آن بودند هلاک ساخت.

38 و یوشع با تمامی اسرائیل به دبیر برگشت و با آن جنگ کرد. 39 و آنرا با ملکش و همه شهرهایش گرفت و ایشان را به دم شمشیر زدند و همه کسانی را که در آن بودند هلاک ساختند و او کسی را باقی نگذاشت و بطوری که به حبرون رفتار نموده بود به دبیر و ملکش نیز رفتار کرد چنانکه به لیته و ملکش نیز رفتار نموده بود.

40 پس یوشع تمامی آن زمین یعنی کوهستان و جنوب و هامون و وادیها و جمیع ملوک آنها را زده کسی را باقی نگذاشت و هر ذی‌نفس را هلاک کرده چنانکه یهوه خدای اسرائیل امر فرموده بود. 41 و یوشع ایشان را از قادش برتبع تا غزه و تمامی زمین جوشن را تا جبعون زد. 42 و یوشع جمیع این ملوک و زمین ایشان را در یک وقت گرفت زیرا که یهوه خدای اسرائیل برای اسرائیل جنگ میکرد. (یوشع 9:10-43)

اگر یک چنین داستانی در قرآن میبود مسیحیان با آن چه برخوردی میکردند؟

و روش برخورد با شکست خورگان و قتل عام زنان و کودکانشان با روش اسلام مقایسه کنید!

روش برخورد با امیران اسیر

16 اما آن پنج ملک فرار کرده خود را در مغارة مقیده پنهان ساختند. 17 و به یوشع خبر داده گفتند: "که آن پنج ملک پیدا شده‌اند و در مغارة مقیده پنهانند." 18 یوشع گفت: "سنگهایی بزرگ به دهنة مغارة بطلانید و بر آن مردمان بگمارید تا ایشان را نگاهبانی کنند ...

22 پس یوشع گفت: "دهنة مغارة را بگشایید و آن پنج ملک را از مغارة نزد من بیرون آورید." 23 پس چنین کردند و آن پنج ملک یعنی ملک اورشلیم و ملک حبرون و ملک یرموت و ملک لاییش و ملک عجلون را از مغارة نزد وی بیرون آوردند. 24 و چون ملوک را نزد یوشع بیرون آوردند یوشع تمامی مردان اسرائیل را خواند و به سرداران مردان جنگی که همراه وی میرفتند گفت: "نزدیک بیایید و پایهای خود را بر گردن این ملوک بگذارید." پس نزدیک آمده پایهای خود را برگردن ایشان گذاردند. 25 و یوشع به ایشان گفت: "مترسی و هراسان مباشید. قوی و دلیر باشید زیرا یهوه با همه دشمنان شما که با ایشان جنگ میکنید چنین خواهد کرد." 26 و بعد از آن یوشع ایشان را زد و کشت و بر پنج دار کشید که تا شام بر دارها آوریخته بودند. 27 و در وقت غروب آفتاب یوشع فرمود تا ایشان را از دارها پایین آوردند و ایشان را به مغارة‌ای که در آن پنهان بودند انداختند و به دهنة مغارة سنگهای بزرگ که تا امروز باقی است گذاشتند.

ولی در اسلام تاکید شده حرمت اسیرانی که رییس قومشان بودن حفظ شود

سایت پرسو جو